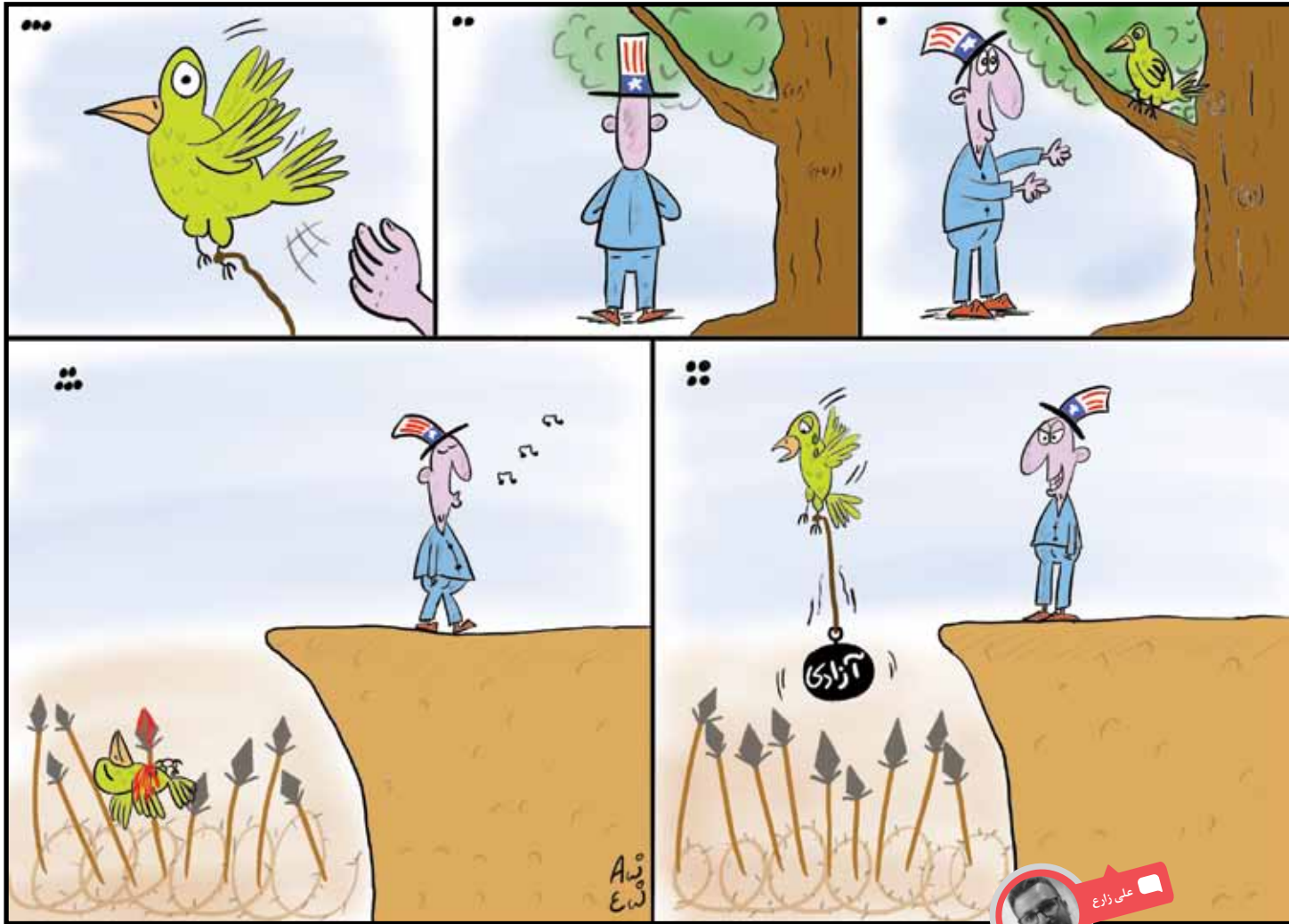


# بایدن: ایران را آزاد می‌کنیم!

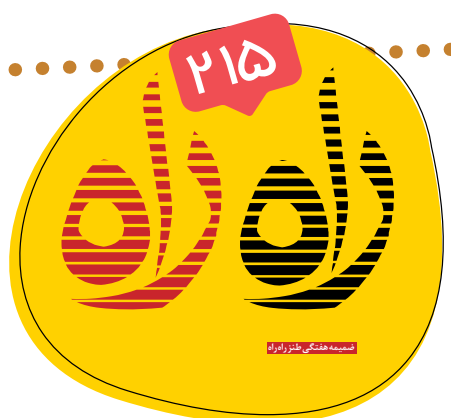
# کلاه هوجا



علی دواع

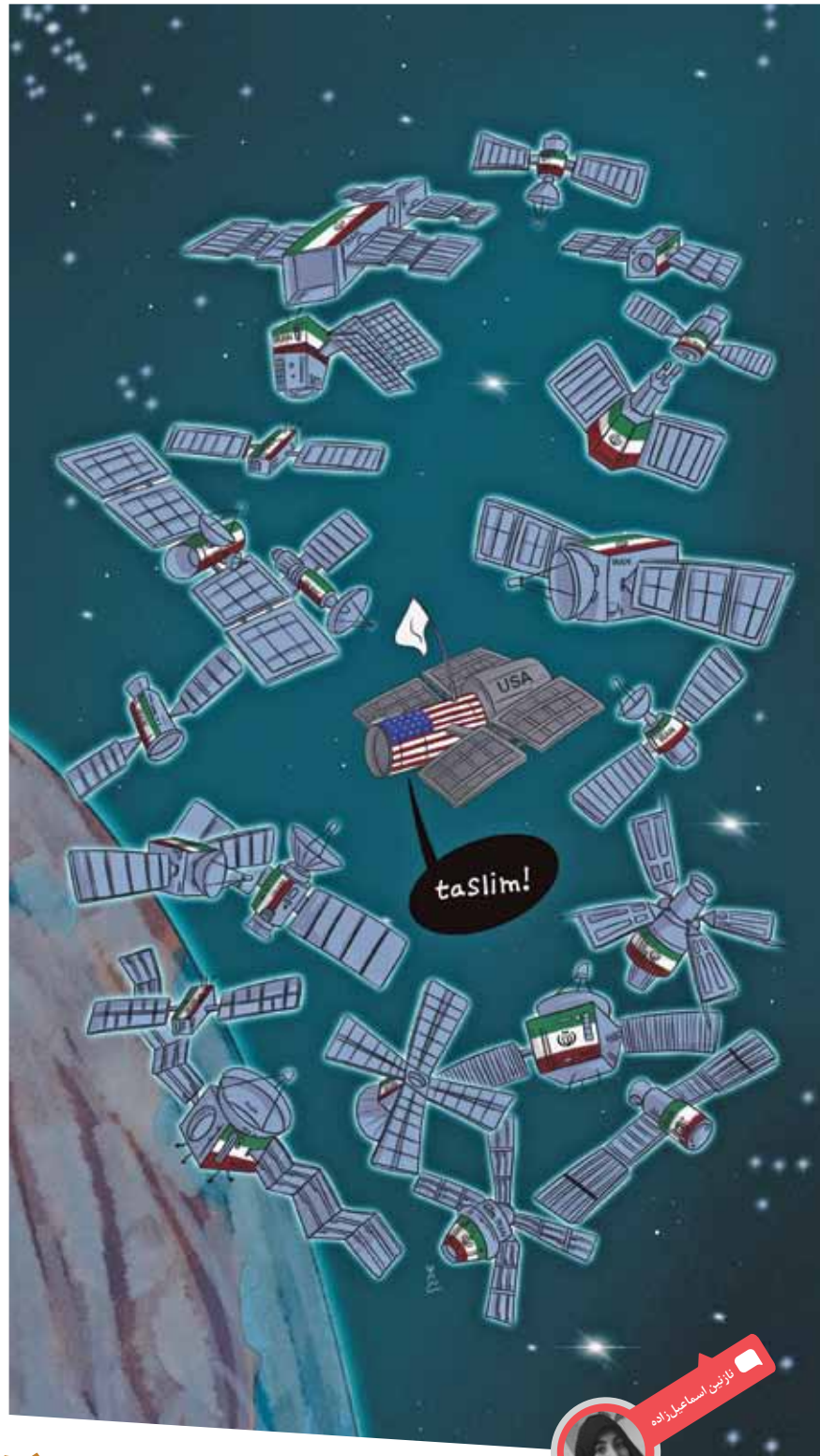
## جلسه هماهنگی آزادسازی ایران

منشی: با تشکر از جناب پرزیدنت که در این جلسه شرکت کردن. ما اینجا جمع شدیم که ایران رو آزاد کنیم. بایدن: بگین همه بیان از تجربیاتتون استفاده کنیم. منشی: بله قربان. تمام گروه‌هایی که این چند سال خواستن ایران رو آزاد کنن هستن. بایدن: خب باید فکرهامون رو بریزیم رو هم... اوخ! این صدای چی بود؟ منشی: قربان نماینده محترم داعش این بغل کلاس خودانفجاری گذاشته. رجوی: اجازه! آخه این بشمالوها چیه که آوردین تو کار؟ ما خودمون تو البانی تروریست داریم عین دسته‌گل! بایدن: نه برای آزادی ایران باید انتخابات بذاریم... ربیع پهلوی: میون کلامت شکر انتخابات واسه چی؟ من خودم بولانسیت پادشاهم. حکومت رو کنترت می‌گیرم همه‌شون رو از قید حیات آزاد می‌کنم. بایدن: حالا کی اینو شیرفهم کنه؟! بهایی: ببینید من میگم یه کم فاز فرهنگی برداریم. بیابین به صورت نرم و آرام مردم رو تشویق کنیم لخت بشن بریزن توی خیابون. ریگی: بشین بابا سوسول. اینجور آزادسازی‌ها به دل من نمی‌چسبه. آدم باید خودش با دست خودش کارد رو بگیره... منشی: آنقدر نهرین تو حرف هم. پرزیدنت رو همینجوریش هم به زور قرص روشن نگاه داشتیم. ریگی: خواستم بگم شما فقط اشاره بفرمایید. شاهرگ همه بلوچستان و هر جایی شما بگین پخ پخ بایدن: آره خب باید از ظرفیت قومیت‌ها هم... اونجا چه خبره سرمون رفت؟ منشی: هیچی قربان پان‌ترک‌ها و پان‌کردها سر آزادی دریایچه ارومیه دعواشون شده. ربیع پهلوی: غلط کردن. این دریایچه مال ایرانه. قراره بعد از آزادی با یه جزیره توی دریای عمان طاق بزنم. الاحوازه: داداش اون ورا همه‌اش پیش فروش شده رفته. فکر آزادی یه جا دیگه باش. مصی: قربان می‌بینید تو رو خدا؟ اینا همه دنبال منافع خودشونن. ولی شما غصه نخورید. یه چیزی بذارید روی حقوق این برج، خودم ایران رو آزاد می‌کنم میدم خدمتتون. شیرین عمادی: راستی دوسه تا تحریم مونده مال شرکت‌های تخلیه



چاه توات. گفتیم اینم اضافه کنید نتونن محصولاتشون رو صادر کنن آمریکا. بایدن: منشی جان من حال خوش نیست. از اینا هم که بخاری در نیما. بیا خودمون گزینه نظامی رو بریزیم روی میز. منشی: رو میز بود قربان چایی تون رو گذاشتین روش. بایدن: عه اینه؟ لک شده که! دیگه به درد نمیخوره. میگم همیشه پول بدیم بعضی سلب‌ریتی‌هاشون براندازی کنن؟ منشی: چند سال تلاش کردیم ولی متأسفانه مردم نمیدارن! همین ۱۳ آبان، بدیدین دیگه. بایدن: چه مردم بی‌چشم و رویی هم دارن‌ها. ما اینجا داریم خودمون رو جر میدیم آزادشون کنیم بعد اینا اینجور... اصلا به این غول تشن بگید بره اونجا کماندویی براندازی کنه. دیشب توی یه فیلم دیدم قشنگ بود. منشی: قربان کسی اینجا نیست، این کت خودتونه گذاشتین روی صندلی. بایدن: همینم مونده تو به من گیر بدی. اصلا مگه این عراق چی داره که خودمون رو منترش کردیم؟ منشی: عراق نه! ایران. بایدن: خب حالا همون ایران. خودم میدونم تو آفریقااست. منشی: قربان انگار حال تون خوش نیست. بایدن: زر تزن می‌زنم لبت می‌کنم‌ها. منشی: اون دیواره قربان زنین توش مچ مبارک در میره. بایدن: بابات در میره. این ای‌داب کی بود دست نداد در رفت؟ منشی: آقا جلسه رو خاتمه میدیم بزنگ بزنین آمبولانس بیا!

## پرتاب موفقیت آمیز زیرمداری ماهواره بر قائم ۱۰۰



نازنین اسماعیلزاده

## تفاهم یک طرفه

من به جان عمه‌ام، فی‌الفور آزادت کنم با شراب سرخ کهنه، ای عمو شادت کنم با همین دستان پر ریشه من از زیر پتو زیر میزت می‌زنم جوری که تریادت کنم می‌کشم دستتو به رویت تا شوی چون سوریه می‌کنم از ریشه، از نو باز بنیادت کنم این رهایی را به سبیلیم قسم مشروط به شورش آبان و دی، اسفند و خردادت کنم این تفاهم‌نامه این هم دست‌من، کو دست‌تو؟ در کجای نقشه‌ای ایران که آبادت کنم؟

## برمدار گاه

دونالد ترامپ در جمع حامیان حزب جمهوری‌خواه ابراز تردید کرد که آمریکا ۲ سال دیگر هم بتواند تحت ریاست جمهوری بایدن دوام بیاورد. به گزارش خبرگزاری «امریکن تومیتو»، ترامپ ضمن تمجید از خیاط جدید خود که با مبد مولر در حال دوختن کت‌وشلوارهایش برای کارزارهای انتخابات ۲۰۲۴ است، اذعان کرد: «تمام مشکلات آمریکا در این خلاصه می‌شود که دولت فعلی به روح اعتقاد ندارد. توی این ۲ سالی که من رئیس‌جمهور نبودم، شبی نبوده است که روح رؤیای آمریکا به خواب من نیاید و گوله‌گوله اشک نریزد. من به شما اطمینان خاطر می‌دهم که با تزریق چند دوز وایتکس به جنازه رؤیای آمریکایی، کاری می‌کنم که برخیزد و همراه با سوت بلبلای قرمز هم بدهد برای‌تان. تجربه دارم‌ها. باور ندارین سایت سازمان بهداشت جهانی رو چک کنین.» وی در ادامه تصریح کرد: «در برهه وخیم کنونی، بی‌دری از سوی جامعه جهانی، دمپایی ابری خیس به‌سمت آمریکا پرتاب می‌شود که اگر یک دانه به آدم بخورد، کاری می‌کند که سیستم‌های سمپاتیک و پاراسمپاتیک آدم فقط مانند غاز صدای «قات قات» دریاورد. به من که تا حالا نخورده ولی آگه به کسی خورده باشد، سوسنیش را با سوند و «جنگ عراق» را با «جنگ اوکراین» که اشتباه می‌گیرد هیچ، با دیوار هم دست می‌دهد.» وی در پایان افزود: «حالا که تا این جایش را گفتیم، بگذارید این را هم بگویم عده‌ای که یک زمانی خطاب به آمریکا می‌گفتند «کاهتم سالار! الان آمریکا را «آمریکاه» صدا می‌زنند.»

## اندر احوالات شیخ شمعون فی‌التشت پر از تاید صهیون

در کتب عهد عتیق نقل است که روزی مریدان شیخ شمعون موشه را با وی کاری پیش آمد کرد. در منزل بر وی بی‌اجازت وارد شدند، دیدند شیخ بر سر تشتی نشسته است و مشغول شست و شوی کپیا‌ی خود و کهنه‌های طفل است. منکری گفت یا شیخ آن قسم حضرت موسی را باور نماییم یا تشت پر از کپیا را؟ شما را چه شده است که بامدادان در مجلس اورشلیم سخن از این می‌رانید که «دانش زنان تنها در خیاطی است» و شامگاهان این چنین کهنه‌شور شده‌اید؟ شیخ باز گفت منافقان همه کهنه کودک شستن ببینند و هیچ مضاف ما با کودکان عرب نبینند. مریدان تا این سخن بشنیدند جملگی تالی‌ت دریدند و گفتند نفرین موشه‌دایان بر وی باد. شیخ رو به مریدان بازگفت از بهر چه آمده‌اید؟ مریدان بگفتند یا شیخ ما را خبر رسیده است که سازمان ملل در محکومیت نژادپرستی صهیونیسم و آپارتاید قطعنامه ۳۳۷۹ تصویب نموده است. شیخ از فرط خشم چنان دست را بر آب لگن کوبید که جملگی مریدان کف مال شدند و هریک حیایی از بهر ثواب می‌ترکانند. شیخ بازگفت: «ما را آپارتاید می‌نامند؟ به تاید تشت قسم از امروز تفیلا‌ی صبح را با طهارت تفیلا‌ی شام به جای آورم و هیچ نخسبم تا آنکه سازمان ملل را از موعود کنم.» منکری رد می‌شد و به طعنه گفت: «با شیخ اجزاتی بده تا سایر کرات را نیز ارض موعود نام نهیم.» شیخ بازگفت: «صغارالناس طعنی زد و کبار الناس تدبیری کرد.» سپس فتوا داد هر آنچه از اسباب و بنه و تجملات دارید، برگزید و بانگ رحیل به کرات دیگر کنید و برتری نژاد خود را بر فرازمینی‌ها آشکار سازید، باشد که شیخ موشه‌دایان از شما راضی باشد. گویند این واقعه در سنه ۱۹۷۵ اتفاق افتاد.

۱- کپیا: کلاه یهودی ۲- تالی: شال یهودی ۳- تفیلا: نماز یهودی

## ضمیمه طنز راه راه کاری از باشگاه طنز انقلاب اسلامی

دبیر سرویس نثر: اعظم‌سادات موسوی  
دبیر سرویس شعر: عباس تافته  
دبیر سرویس کارتون و فنی: سید محمدجواد طاهری  
راه‌های ارتباطی: @tanzym-ir  
ما را در شبکه‌های اجتماعی با نشانی tanzym-ir دنبال کنید!

## چه می‌گفتم دقیقا؟!

یادم نمی‌آید چه می‌گفتم دقیقا؟؟؟ راجع به موضوع مهمی بوده حتما باد آمده از یاد من برده است شاید وقتی که توی چرت بودم احتمالا هان یادم آمد بحث آزادی و اینهاست هی مردم دنیا!!!... منم مصداق بتمن مثل عراقی، سوری و افغان آزاد هستیم پشتیبان‌تان و ایند مأمون هی وعده دادم خب نشد، تقصیر من چیست از لاعلاجی وعده دادم پای خرمن من دوست دارم در کنم قمیز همیشه قاطی نکن لطفا عزیزم آب و روغن ای وای خوابم برد... یادم رفت موضوع من خواب می‌دیدم که پیشم بود یک زن با یک نفر من دست می‌دادم کجا رفت!!؟ یک کم شدم انگار پیر و خنگ و کودن...



ابراهیم صفایی

**WOW!!!**  
ناز کنم بر شکن ناو خویش  
فخر کنم بر زن اسلاو خویش  
از سر سیری علفی جای نفت  
می‌فکنم در دهن گاو خویش  
نوبت آزادی ایران رسید  
سرخ کنم سیخ یوگوسلاو خویش  
ترس به جانم نژاد از کسی  
بایدنی‌ام با ج و با واو خویش  
رفته هوا موشک صیاد چار؟!  
من بروم نزد روانکاو خویش...



محمد عظامی

## مشکلات حال

قدقد نکن ای جوجه! برو لاف ندوز!  
ایران شده آزاد چهل ساله! بسوز  
آنقدر عجولی به حساب برسیم؟  
تا آخر پاییز زمان مانده هنوز

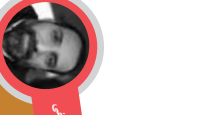
هستی تو برای کاسه لیسان ارباب  
داریم من و تو تا ابد خرده حساب  
بیچاره کسی که تو کنی ازادش  
اقای پرزیدنت! «کشکت رو بساب»



مطهره ابراهیم‌نژاد

چهل سال برای مملکت کرده کمین  
هر طرح براندازی او خورده زمین  
این پیر خرفت هیچ آدم نشود  
انگار به گوش خر بخوانی یاسین

وقتی فتاده بایدن از چاله توی چاه  
وقتی فشار می‌رسدش روز و سال و ماه  
وقتی که داشت نیت آزادکردنی  
باید پناه برد به آن مرسل‌الریاح



سوسن سوسنی



چند سوزان

از تو دارم بایدن یک درخواست  
پند من را بشنو بی‌کم و کاست  
خواهشاً قول نده وقتی که  
عمل تو همه‌اش باد هواست